

تحلیل سیاسی هفته (۷۹) تحلیلی بر توافق آشتی ملی فتح و حماس

مقدمه

موضوع توافق میان دو گروه فلسطینی حماس و فتح بازتاب‌های بین‌المللی وسیعی به همراه داشته است. اسماعیل هنیه نخست‌وزیر فلسطین (در غزه) و عزام الاحمد رئیس فراکسیون جنبش فتح در پارلمان فلسطین روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت به‌عنوان نمایندگان جنبش‌های فتح و حماس، توافق آشتی ملی را میان این دو جنبش امضا کردند. بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران این توافق را حائز اهمیت دانسته و واکنش‌های داخلی و خارجی نسبت به آن و به‌ویژه خشم رژیم صهیونیستی از این توافق را دلیلی بر اهمیت آن قلمداد کرده‌اند.

موضوع توافق

این توافق هفت بند دارد که به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱. بر اجرای توافق‌های امضا شده قبلی در قاهره و دوحه تأکید شده است،
۲. محمود عباس شخصاً و ظرف پنج هفته کابینه آشتی ملی را تشکیل خواهد داد،
۳. انتخابات پارلمانی و ریاست تشکیلات خودگردان همزمان پس از شش ماه از تشکیل کابینه برگزار خواهد شد،
۴. در این توافق تأکید شده است که ساختار ساف باید اصلاح گردد و جنبش‌های اسلامی مانند حماس و جهاد وارد آن شوند،
۵. کمیته آشتی مدنی با استناد به توافق قاهره تشکیل و کار خود را جهت تنش‌زدایی آغاز کند،
۶. کمیته آزادی تشکیل شود و زندانیان سیاسی دو طرف در کرانه باختری و نوار غزه با صلاحدید آن آزاد گردند،
۷. پارلمان موجود فعالیت خود را با حضور نمایندگان دو طرف از سر گیرد.

واکنش‌ها

اعلام خبر غیرمترقبه توافق، بسیاری از طرف‌ها را غافلگیر کرد. نتانیاهاو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پس از اعلام امضای توافق، کابینه امنیتی را به جلسه فوق‌العاده فراخواند و از نیروی نظامی خود خواست تا فوراً مانوری را در اطراف غزه برگزار کنند. او در یک کنفرانس مطبوعاتی، این اقدام را ناقض گفتگوهای سازش دانست و آن را جهشی به عقب خواند و اعلام کرد که جلسه گفتگو تعیین شده با نمایندگان دولت خودگردان فلسطین را لغو کرده است. او از عباس خواست تا آشتی ملی با حماس را رها سازد و صلح با اسرائیل را انتخاب کند. وزرای خارجه و اقتصاد رژیم صهیونیستی، عباس را به‌خاطر آشتی با گروه حماس محکوم کردند. هرتسوک رهبر حزب کار این رژیم که در جبهه مخالف در اسرائیل قرار دارد، توافق آشتی ملی فلسطینیان را نتیجه سیاست‌های نتانیاهاو و نبود طرح واقعی برای حل بحران فلسطین دانست. سخنگوی کاخ سفید آمریکا که حماس را گروهی

تروریستی می‌داند، آشتی عباس با این گروه را اقدامی در جهت حل و فصل بحران ندانست. او با ما رئیس‌جمهور آمریکا که به مالزی سفر کرده بود، این توافق را غیرمفید خواند. عباس در پاسخ به این اظهار نظرها اعلام کرد که هیچ‌گونه تعارضی میان آشتی ملی فلسطین و گفتگوهای سازش وجود ندارد و دولت فلسطین همچنان پایبند حل و فصل عادلانه بحران براساس طرح دو دولت و بر پایه قطعنامه‌های بین‌المللی و منافع جامعه فلسطین است و وحدت ملت و سرزمین فلسطین گامی در این جهت شمرده می‌شود. البته ایران، روسیه و قطر نیز از این توافق حمایت کردند. فرانسه نیز از این توافق به شرطی حمایت کرد که به محکوم کردن تروریسم و ادامه فرآیند گفتگوها بیانجامد.

سوابق توافقات

این هفتمین توافقی است که از سال ۲۰۰۶ تاکنون میان دو طرف امضا شده است. شش توافق قبلی به علل گوناگون به اجرا در نیامده و این واقعیت احتمال اجرای توافق جدید را مورد تردید قرار داده است. تقریباً می‌توان گفت که متن توافق تکرار توافقاتی قاهره و دوحه است و پرسش اصلی این است که چه عواملی توافق اخیر را متمایز می‌کند و اجرای آن را محتمل می‌سازد. روزنامه یدیعوت احرانوت رژیم صهیونیستی در سرمقاله خود اعلام کرد که در هفت سال قهر میان کرانه باختری و نوار غزه، اتفاقات بسیاری در غزه افتاده است که از جمله می‌توان به تشکیل واحدهای پلیس و گروه‌های امنیتی اشاره کرد. بر این اساس باید پرسید که سرنوشت گروه‌های طرفدار حماس چه خواهد شد؟

این روزنامه همچنین با مطرح کردن پرسش‌هایی مانند اینکه آیا این گروه‌های امنیتی حماس جذب نهادهای دولت عباس خواهند شد و یا نیروهای ابومازن وارد نوار غزه می‌شوند؟ تردیدهای بسیاری درباره اجرای این توافق عنوان کرد.

انگیزه‌های دو طرف

مهمترین پرسشی که درباره توافق مطرح است این است که آیا این توافق یک انتخاب راهبردی است که حماس و فتح به آن دست زدند یا اینکه آنها به علت شرایط سیاسی که در آن قرار دارند، تن به این توافق براساس محاسبات تاکتیکی دادند. لازم به ذکر است که جنبش حماس روی حمایت و همپیمانی دولت اخوانی مصر به ریاست محمد مرسی حساب ویژه‌ای باز کرده بود و بر این اساس از آن حمایت نمود. کودتای مصر بر ضد دولت اخوانی و سیاست ضد اخوانی دولت جدید مصر از جمله اعلام جنبش حماس فلسطین به عنوان گروه تروریستی عرصه را بر دولت حماس در غزه تنگ کرد. انهدام اکثر تونل‌ها میان شبه جزیره سینا و غزه و ایجاد محدودیت‌های جدی در گذرگاه رفح میان این دو منطقه، عملاً دولت هنیه را در محاصره بی‌سابقه‌ای قرار داد. تداوم قدرت حماس در غزه در چنین شرایطی هزینه سیاسی سنگینی را به آن تحمیل کرد و این توافق عملاً خروج از این بن‌بست به شمار می‌آید. ابومازن نیز پس از چند دور گفتگوهای شکست‌خورده با رژیم صهیونیستی از میزان بالای سرخوردگی و ناامیدی رنج می‌برد و این توافق می‌تواند هم یک دستاورد باشد که مردم داخل از آن حمایت می‌کنند و هم یک سلاح برنده در دست عباس قرار دهد تا گفتگوهای سازش را به پیش برد.

آنچه مسلم است دو طرف تحت فشارهای گوناگون و سنگین تن به این آشتی دادند و هر دو از آن منتفع خواهند شد، اما پرسش اصلی این است که اجرای این توافق تا چه حد ممکن است؟ علل ناکامی توافقات قبلی این است که فتح و حماس از دو راهبرد تبعیت می‌کنند. فتح معتقد است که حل بحران فلسطین بر پایه گفتگوهای سیاسی با دشمن صهیونیستی امکانپذیر است و حماس حل بحران را تنها در گرو ادامه مقاومت مسلحانه می‌داند. این دو راهبرد به علت تعارض قابل جمع نیستند و به همین

علت احتمال شکست این فرآیند مطرح می‌گردد مگر اینکه فرض کنیم حماس تسلیم دیدگاه‌های فتح خواهد شد. عناوین و موضوعاتی مانند برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاستی پس از شش ماه و آزادی زندانیان سیاسی دو طرف و اصلاح ساختار سازمان آزادیبخش فلسطین موضوعاتی نیستند که قابل اجرا نباشند و تصور می‌شود اختلاف در این موضوعات محدودتر از راهبردها خواهد بود.

شکی نیست که ادامه فرآیند گفتگوهای سیاسی ازسوی ابومازن یکی از موضوعاتی است که در آینده مورد اختلاف خواهد بود. در پایان هفته گذشته، جلسه گفتگو میان صائب عریقات نماینده عباس با لیونی نماینده رژیم صهیونیستی با حضور مارتین اندیک برگزار شد و عریقات در پایان جلسه اعلام کرد که شکاف همچنان عمیق و اختلافات کماکان پا برجاست و ما تا ۲۹ آوریل جاری (۹ اردیبهشت) حاضریم گفتگوها را ادامه دهیم و این پایان دیدارها خواهد بود. لازم به ذکر است که در ۲۹ آوریل زمان نه‌ماهه تعیین شده ازسوی آمریکا به پایان رسید بدون اینکه توافقی میان دولت خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی حاصل شود. رژیم صهیونیستی از آمریکا خواسته بود که گفتگوها به مدت یک‌سال دیگر تمدید شود، اما فلسطینی‌ها تاکنون این درخواست را کاملاً رد کرده‌اند. ابومازن اخیراً اعلام کرده بود که حاضر است گفتگوها را حداکثر به مدت سه ماه تمدید کند به شرط اینکه دولت نتانیاهو شهرک‌سازی را در کرانه باختری به‌طور کامل متوقف کند و آغاز گفتگو درباره مرزهای دولت فلسطین را بپذیرد. رژیم صهیونیستی در تلاش است تا سیاست خرید زمان را در دستور کار قرار دهد چرا که می‌داند اگر زمان گفتگوها یک سال تمدید شود آمریکا در آستانه انتخابات قرار می‌گیرد و گفتگوها دیگر در اولویت نخواهد بود و این مسئله فرصت طلایی به اسرائیل می‌دهد تا سیاست شهرک‌سازی را ادامه داده و شرایط کرانه باختری را به‌طور کامل تغییر دهد و کار را یکسره به نفع خود سازد. آمریکا علیرغم اینکه می‌داند که رژیم صهیونیستی با امتناع از آزاد کردن گروه چهارم زندانیان فلسطینی (۲۶ نفر) و جدیت نداشتن در بحث موضوعات اصلی گفتگو مانند قدس و مرزهای دولت فلسطینی و آینده شهرک‌های صهیونیستی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ مسئول این شکست است، اما در عین حال می‌کوشد در یک نقطه وسط قرار گیرد و دو طرف را برای ادامه گفتگو دعوت کند و یا تهدید به رهاسازی نقش میانجی میان آنها نماید. به هر حال توافق میان فتح و حماس و آشتی ملی میان دو بخش فلسطین عملاً پیام مهمی به جان کری وزیر خارجه آمریکا ارسال کرد مبنی بر اینکه غزه وجود دارد و از نقش بسیار نافذی برخوردار است. در نتیجه غفلت از آن با شکستی حتمی همراه خواهد بود.

جمع‌بندی

توافق میان دو گروه فلسطینی فتح و حماس براساس هر ملاحظه‌ای صورت گرفته باشد بیش از هر چیز تأییدی بر این واقعیت عینی و اساسی است که نادیده گرفتن حماس در معادلات موجود امکان‌پذیر نیست. خشم رژیم صهیونیستی از توافق اخیر نیز از همین واقعیت ناشی می‌شود. این توافق همچنین می‌تواند تأکید مجددی بر اصالت و اعتبار راهبرد مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی باشد. این اعتبار جنبش فتح را ناگزیر ساخته است که به سیاست تعامل و تفاهم به جنبش حماس روی آورد.

